

حب باب دفع صاعه بانه که در نعلها کشیده است

با صدر عظیم بن لذت مگر که نفع نسلطع م در انحصار

در جام خارجه سرخ زنده دستور لعمه دادم که در شهر معمار در سراج

بر اسناد حرف نیک پاکت انالکله و مطیع شد و بویع همین در تیره

و قرار بدله و امنه راهم در نظر داشتند در شهر کاشان

والله جدید بود باید طور شد و البره قطع نامه آنها شو و الکلا

و در طرف کینه نهنف عت رضت حراهم لادمت خورا

قلع و تسع آنها مصروف غم و از زهر تبرکت و بهان

در انابه خیا آهام لذم است در همین طریقه با هم بود کاعه

سخته اعلی و تقویان را که فریاد میسر شد و در شهر الوداع

۱۲۷۶

و در شهر الوداع